

بسم الله الرحمن الرحيم

## عدالت‌خواهی و آفت نگاه بخشی به آموزه‌های دین

شاید یکی از درس‌های مغفول ماه محرم و حوادث مندرج در آن، توجه به مبانی شناختی بنیان این جریان تلخ است. استناد بنی‌امیه و اذتاب آنها به آیات قرآن و روایات نبوی برای برخورد با اباعبدالله الحسین علیه السلام و غفلت از جایگاه رفیع آن حضرت در آیات و روایات را می‌توان نمونه کامل نگاه بخشی به دین و مصداق آیه شریفه ۱۵۰ سوره مبارکه نساء دانست.

موضوع عدالت و اهمیت کم‌نظیر آن امری است بی‌نیاز از تبیین و توجیه تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ. آسمان‌ها و زمین، با عدالت، پا برجا می‌مانند. آدر عین حال همین مفهوم متعالی که ستون آسمان‌ها و زمین است، اگر در کنار سایر دستورات دین قرار نگیرد و جایگاهی فارغ از نگاه مجموعی به آموزه‌های دین داشته باشد، ممکن است آثاری ظالمانه در پی داشته باشد.

متأسفانه مدت‌هاست آنچه گاه و بی‌گاه با ادعای عدالت در جامعه ایمانی ما مشاهده می‌شود، عبارت است از نوعی پرده‌داری و ازاله آبروی مومنین بدون بررسی و کسب اطلاع دقیق از صحت و سقم یافته‌ها و در ادامه نیز بازنشر سریع و بدون آگاهی مخاطبان با هدف کمک به جریان برقراری عدالت. اگر عدالت را به مفهوم اعطاء کل ذی‌حق حقه: دادن به هر صاحب حقی حقش را؛ معنا کنیم، قطعاً نسبت دادن یک امر غیرواقعی و اتهام‌زنی مصداق ظلم و خلاف عدالت خواهد بود.

شاید برای فهم اهمیت نگاه مجموعی به آموزه‌های دینی، این روایت امام کاظم علیه السلام راهگشا باشد. محمد بن فضیل گوید: «به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم درباره یکی از برادرانم چیزی شنیده‌ام که برایم ناخوشایند است. از او در این باره پرسیدم و او انکار کرد در حالی که گروهی مورد اطمینان این خبر را به من داده اند. امام علیه السلام فرمود: ای محمد شنیده‌ها و دیده‌هایت را درباره برادرت نادرست و دروغ شمار، هر چند پنجاه تن نزد تو بر کاری از برادرت سوگند بخورند و برادرت سخنی بر خلاف آنان گوید، سخن برادرت را راست شمار و آنان را دروغگو بدان و سخنی درباره او پخش مکن که او را سرافکننده سازی و بی‌آبرو سازی و

---

۱. إِنْ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا. آنان که به خدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و گویند: ما به برخی (از انبیاء) ایمان آورده و به پاره‌ای ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند.

۲. عوالمی اللئالی، ج ۴، ص ۱۰۳.

حیثیت او را به باد دهی؛ که در این صورت از کسانی خواهی بود که خدای گرامی و بزرگ درباره آنان فرموده است: «همانا کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده اند آشکار و فراگیر شود آنها را در این جهان و آن جهان عذابی دردناک است.»<sup>۳</sup>

تنازل جریان متعالی مطالبه عدالت به نام بردن از افراد، خصوصاً افراد بی‌گناه، قطعاً سبب از بین رفتن برکت مترتب بر این جریان و شمول عواقب سوء دنیوی و اخروی برای عاملان آن گردیده و در بلندمدت تصویری نامطلوب از اصل عدالت و جریان مدعی آن در افکار عمومی بر جای خواهد گذاشت. این جمله از رهبر حکیم انقلاب را حسن ختام این نوشتار قرار می‌دهم که فرمودند: «شما می‌گوئید که ما شعار عدالت می‌دهیم؛ دانشجو را می‌گیرند، اما آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمی‌گیرند. قوه قضائیه چنین، یا دستگاه مسئول چنان. خوب، اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست. جوان و دانشجو و مؤمن شأنش همین است که عدالت را بخواهد. پشتوانه این فکر هم با همه وجود، خودم هستم و امروز بحمدالله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی‌تان این باشد: گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق‌سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه می‌کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می‌بینم دیگر. من مواردی را مشاهده می‌کنم - نه در دانشگاه، در گروه‌های اجتماعی گوناگون - که روی یک مصداق خاصی تکیه می‌کنند؛ یا به‌عنوان فساد، یا به‌عنوان کجروی سیاسی، یا به‌عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً از جریان اطلاع دارم و می‌بینم اینجوری نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می‌کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله‌ای به دست می‌دهید برای اینکه آن زرنگ قانوندانِ قانون شکن - که من گفته‌ام قانون‌دان‌های قانون شکن خطرناکند - بتواند علیه شما استفاده کند.»<sup>۴</sup>

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

۳. امام کاظم (علیه السلام): قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي بَلَغَنِي عَنْهُ الشَّيْءُ الَّذِي أَكْرَهُهُ فَاسْأَلُهُ عَنْهُ فَيُنْكِرُ ذَلِكَ وَ قَدْ أَخْبَرَنِي عَنْهُ قَوْمٌ بَقَاتَ فَقَالَ لِي يَا مُحَمَّدُ كَذَّبَ سَمْعَكَ وَ بَصَرَكَ عَنْ أَخِيكَ وَ إِنْ شَهِدَ عِنْدَكَ حَمْسُونَ قَسَامَةً وَ قَالَ لَكَ قَوْلَ قَوْلَا فَصَدَّقَهُ وَ كَذَّبَهُمْ وَ لَا تُدْبِعَنَّ عَلَيْهِ شَيْئاً شَبِيهاً تَشْبِيهُهُ بِهِ وَ تَهْدِمُ بِهِ مَرْوَةَ تَهْ فَيَكُونُ فَتَكُونُ مِنَ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الَّذِينَ يُجِيبُونَ أَنْ تَشْبِعَ الْفَاجِسَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ج ۲، ص ۲۴۷

۴. بیانات ۱۳۷۸/۲/۱۴.